

افتتاح موزه‌ای برای بازخوانی کارنامه سازمان مجاهدین

تاریخ، ردِ خون را پاک نمی‌کند



زینب مرزوقی
حیرنگار گروه جامعه

گام که به تراز همکف فرهنگسرای خاوران می‌گذاری، گویی هوا سنگین‌تر می‌شود؛ زمان در نقطه صفر مرزی میان «ایدئولوژی» و «جنایت» متوقف شده است. اینجا در فضایی ۷۰۰ متری، «موزه اسرار سازمان مجاهدین» با روایتی خطی اما پرالتهاب، بازیدیکندنه را از میان غبار دهه ۴۰ و هسته‌های اولیه مرکزی‌ت، تا بن‌بستِ خونی مرصاد می‌برد. دیوارهایی که با اسناد، فیلم‌های مستند و بازسازی وقایع، نه فقط یک تاریخچه، بلکه فرایند دقیق یک «استحاله» را روایت می‌کنند؛ استحاله‌ای که در آن، عدالت‌خواهی بدوی جای خود را به تروریسم خیابانی و آغوش باز رژیم بعث داد.

اما این موزه تنها برای ورق زدن گذشته نیست؛ نبض آن با وقایع امروز می‌زند. در روزگاری که پرو پاگانندای رسانه‌ای با بزک کردن یک «گذشته خیالی»، بهشت برینی از دوران پیش از انقلاب می‌سازد، این اسناد تلنگری به حافظه جمعی است. ضرورت این موزه درست در میانه ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ بیش از هر زمان دیگری رخ می‌نماید؛ جایی که باز هم «خشم عصبانی» بر بستر مطالبات اقتصادی، به جاده‌صاف‌کن پروژه‌های «کشته‌سازی» بدل شد. محمد رحمانی، پژوهشگر تاریخی که با همراهی وی به بازدید از موزه اسرار سازمان مجاهدین رفته بودیم؛ معتقد است اگرچه میان «سانترالیسم آهنین» دهه ۶۰ و آثارشسی پراکنده خیابان‌های امروز تفاوت ساختاری وجود دارد، اما «مهره‌های شطرنج» در هر دو دوران همان‌ها هستند؛ جرانانی که در خلا احزاب و اعتراضات قانونی، طعمه طراحی‌های امنیتی و سرویس‌های خارجی می‌شوند تا با خون خود، برای غرب امتیاز بخرند. موزه اسرار، تلاشی است برای عبور از کلیشه‌ها و رسیدن به لایه‌های عمیق‌تر اجتماعی؛

رحمانی، پژوهشگر تاریخ:

کشته‌سازی، وجه شباهت وقایع اخیر و خشونت منافقین در دههٔ ۶۰ بود

محمد رحمانی، پژوهشگر تاریخ معاصر و نویسنده کتاب «من اعتراف می‌کنم» در «درباره زندگی و زمانه وحید افراخته، عضو مرکزی سزاسان مجاهدین خلق است». در گفت‌وگویی بارحمانی، موضوع «موزه اسرار سازمان منافقین» و نحوه بازنمایی خشونت‌های این سازمان در دهه ۶۰ و شباهت‌هایی که با ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ مطرح می‌شود، مورد بررسی قرار گرفت. رحمانی در عین قدردانی از اصل برگزاری چنین نمایشگاهی، معتقد است **سطح انتظار** از این دست رویدادها بسیار بالاتر از خروجی فعلی است. او با اشاره به ظرفیت‌های مغفول مانده این نمایشگاه می‌گوید: «خیلی وقایع متعددتو بر مایه‌تر از آن چیزی بود که در قالب یک برونداد رسانه‌ای ارائه شد. این موضوع می‌توانست دستاوردهای جدیدتری داشته باشد؛ شبیه نمایشگاه‌های تخصصی که گاهی وزارتخانه‌های مختلف برای افراد خاص برگزار می‌کند.

رحمانی اما یکی از نقدهای اصلی خود را همین «مخاطب خاص» دانستن می‌داند: «متأسفانه هنوز این فهم‌شکل نگرفته که این فقط افراد خاص نیستند که تعیین‌کننده‌اند؛ روشنفکران، نخبگان، توده‌های مردم، دانش‌آموزان و دانشجویان هم باید در این فضا قرار بگیرند.» به اعتقاد او، آنچه ارائه شده بیشتر تکرار مباحتی است که پیش از این در کتاب‌ها و مجلات منتشر شده و نمایش، کمتر توانسته تجربه‌ای نو و عمیق خلق کند. او با تأکید بر اینکه قصد ناپیدشدن زحمات برگزارکنندگان را ندارد، می‌گوید: «نمی‌خواهم کاری بی‌ارزش تلقی شود؛ بالاخره یکی از بچه‌های انقلابی کاری انجام داده و دستش درد نکند، اما توقع ما بیش از این بود و بخشی از این کم‌کاری به نهادهای مسئول بر می‌گردد.»

نقد دوم رحمانی ناظر به رویکرد تاریخی نمایشگاه است. از نگاه او، نوع روایت و زاویه پرداخت، متعلق به فضای دهه ۶۰ باقی مانده است: «فضای رویکردی نمایش، همان فضایی سال ۶۰ است؛ حتی از سال ۶۷ هم دهه‌ها گذشته. وقت آن رسیده که نگاه عمیق‌تری به مسائل اجتماعی، سیاسی و امنیتی داشته باشیم.» او معتقد است این نمایشگاه می‌توانست در سال‌های ۶۳، ۶۴، ۶۷ یا ۶۸ هم «با همین شیوه و روش» برگزار شود، اما اکنون که سال‌ها گذشته، انتظار می‌رود تحلیل‌ها از سطح تبلیغات و پروپاگاندا عبور کند: «الان در زمانی هستیم که می‌توانیم عمیق‌تر به مسائل نگاه کنیم؛ از تبلیغات فراتر برویم، شکاف ایجاد کنیم، طرح و نظریه‌های مختلف را مطرح کنیم.»

در جمع‌بندی، رحمانی این نمایشگاه را از نظر تصویری و ابتدایی، برای مخاطبانی که آشنایی کمی با موضوع دارند مفید می‌داند، اما برای پژوهشگران و افرادی که تعامل جدی‌تری با تاریخ دارند، آن را فاقد دستاورد تازه توصیف می‌کند. «برای دانش‌آموزان و کسانی که از مسئله سازمان بی‌اطلاع‌اند، جذابیت‌های تصویری دارد؛ اما برای کسی که اهل کتاب و پژوهش تاریخی است، احتمالاً دستاورد جدیدی نداشته باشد.»

خشونت دی‌ماه ۱۴۰۴

تحت تأثیر فضایی آثار شبیستی بود

محمد رحمانی، در بخش دیگری از گفت‌وگو پیرامون «موزه اسرار سازمان منافقین»، به واکاوی ریشه‌های خلق خشونت سیاسی ونسبت میان اقدامات

جایی که باید پرسسید چگونه خشم، به ابزار امتیازگیری بدل می‌شود و چرا هنوز، بازخوانی ریشه‌های این ارتجاع، برای نسل جدیدی که هدف جنگ ۱۲ روزه و عملیات‌های روانی است، یک ضرورت حیاتی به شمار می‌رود. این موزه، روایت حقیقتی است که در لایه‌های غلیظ پروپاگاندای دشمن، به دنبال گوش‌هایی برای شنیدن می‌گردد. موزه «اسرار سازمان مجاهدین» (سزاسان منافقین)، به عنوان روایتی مستند از تاریخچه این سازمان، از ابتدای شکل‌گیری هسته‌های اولیه در دهه ۴۰ تا خروج از ایران، همکاری با رژیم بعث و عملیات مرصاد، آغاز به کار کرد. سیدسجاد موسوی، رئیس فرهنگسرای خاوران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» توضیح می‌دهد: «این موزه که در فضایی به وسعت ۷۰۰ متر مربع در تراز همکف ساختمان اصلی فرهنگسرای خاوران دایر شده، در بخش‌های متنوعی به تبیین مبانی فکری، پیوندهای اندیشه‌ای این گروهک، اقدامات تروریستی و خرابکاری‌های مسلحانه علیه مردم و ارکان نظام پرداخته است. محتوای این نمایشگاه در قالب بخش‌های تفسیری، نمایش فیلم، بازسازی حوادث مهم تاریخی و ارائه اسناد برگرفته از کتاب‌های مستند در معرض دید عموم قرار گرفته است.»

انگیزه‌ها و ضرورت ایجاد موزه چه بود؟

برگزاکتندگان این موزه، انگیزه اصلی از ایجاد این مجموعه را پرکردن خلاء موجود در روایت صحیح و دقیق تاریخ معاصر عنوان کردند. با توجه به تلاش‌های مداوم پروپاگاندای رسانه‌ای دشمن برای تحریف تاریخ و تطهیر چهره خشن و ضدمردمی این جریان، ضرورت ایجاد این موزه در راستای «جهاد تبیین» و روشنگری بیش از گذشته احساس می‌شد. هماهنگی باقی‌مانده‌های این جریان با دشمنان مستکبر نظیر آمریکا و اسرائیل در وقایع و آشوب‌های اخیر شهرهای مختلف کشور و تکرار اقدامات مشابه

گذشته در خیابان‌ها، لزوم بازشناسی ریشه‌های این گروهک را برای نسل جوان دوچندان کرده است.

استقبال مردمی و چالش‌های مسیر افتتاح

گزارش‌ها حاکی از استقبال گسترده اقشار مختلف از جمله گروه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی از نمایشگاه است؛ به‌طوری‌که تمامی نوبت‌های بازدید برای دو هفته آینده تکمیل شده است. این نخستین بار است که در کشور به شکلی اختصاصی و با این ترکیب محتوایی به موضوع منافقین پرداخته می‌شود. اگرچه به دلیل حساسیت‌های بالای محتوایی از سوی نهادهای ذی‌ربط و همچنین وقوع رویدادهایی نظیر عملیات‌های «وعده صادق»، وقفه و تأخیری کوتاه در افتتاح رسمی ایجاد شد، اما با انجام گفت‌وگو‌ها و اصلاحات لازم، این حساسیت‌ها مرتفع گردید. هم‌زمانی افتتاح این موزه با اقدامات خرابکارانه و تروریستی روزهای اخیر، توجه مضاعف رسانه‌ها و افکار عمومی را به دنبال داشته است.

فازهای جدید موزه نیز در راه هستند

این موزه به صورت دائمی در فرهنگسرای خاوران دایر بوده و در نوبت صبح و عصر آماده پذیرش بازدیدکنندگان است. مدیریت مجموعه ضمن تأکید بر دائمی بودن موزه، اعلام کرد برای تکمیل گزارش‌ها، شماره‌های تماس و آدرس شبکه‌های اجتماعی جهت هماهنگی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. همچنین برنامه توسعه فازهای دوم و سوم این مرکز در ماه‌های آینده در دستور کار قرار دارد تا برهه‌های دیگری از تاریخ سیاسی معاصر ایران و جنایات سایر گروهک‌های تروریستی نیز با دقت روایت شود. ان‌شاءالله این افتتاح، مقدمه‌ای برای اتفاقات بزرگ‌تر در مسیر تبیین حقایق تاریخی خواهد بود.

کشته‌سازی، وجه شباهت وقایع دی ماه ۱۴۰۴ و دههٔ ۶۰ است

رحمانی وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ را در چهارچوب پروژه‌های «کشته‌سازی» تحلیل می‌کند. او معتقد است جریان‌های معاند و حامیان خارجی آن‌ها به این خشونت نیاز دارند تا با بالا بردن آمار کشته‌ها، فشار حقوق بشری بر ایران را افزایش داده و امتیازگیری کنند. رحمانی در عین حال، یک نقطه شباهت میان امروز و دهه ۶۰ قائل است: کارکرد خشم و کشته‌سازی در چرخه خشونت. او با اشاره به شیوه‌های تحریک نیرو در دهه ۶۰ می‌گوید: «وجه اشتراک اتفاقات الان با دهه ۶۰، آن کشته‌سازی و خشمی است که ایجاد می‌شود.» به گفته او، سازمان برای تحریک نیروهایش، از روایت‌های احساسی و شخصی‌سازی‌شده استفاده می‌کرد: «می‌گفتند تو در محله‌ای زندگی می‌کنی که آدم‌های آقای خمینی فلان‌کس را کشته‌شد یا فلان آدم را بابت هست که در زندان شلاق خورد و شکنجه شد؟» این روایت‌ها، به تعبیر رحمانی، به ایجاد تصویر یک «دشمن فراگیر» منجر می‌شد: «می‌گفتند دشمن فقط پاسدار نیست؛ آن کسی هم که زنگ می‌زند به اطلاعات و گزارش می‌دهد، سرانگشتان ارتجاع حاکم است.»

رحمانی در واکاوی نسبت میان ساختار خشونت در سازمان مجاهدین خلق و وقایع اخیر، به تحلیل نقش رسانه‌ها و فقدان ساختارهای قانونی می‌پردازد. او معتقد است فضای کنونی توسط رسانه‌های خارجی دامن زده می‌شود و این نفتر انباشت‌شده، درهفته به هفته اوج خود می‌رسد. این پژوهشگر موضوع دخالت‌های خارجی را فراتر از توهم توطئه دانسته و خاطرنشان می‌کند همان‌گونه که در تمام دنیا جریان‌های حامی تقویت می‌شوند، اسرائیلی‌ها نیز جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی را تقویت می‌کنند. او درباره چرایی نیاز این جریان به خشونت می‌گوید: «این جریان به خشونت نیاز دارد؛ چراکه هر چقدر بار این خشونت بالاتر برود، برای طراحی که کرده است اصلاً مهم نیست که این‌ها کشته شوند. بالا رفتن آمار کشته‌ها باعث می‌شود یک فشار حقوق بشری به ایران وارد شود تا از ایران امتیاز بگیرند.»

او با شباهت‌سازی میان راهبرد فعلی و استراتژی سازمان مجاهدین پیش از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، تأکید می‌کند که سازمان در آن مقطع نیز به کشته و مجروح نیاز داشت تا مشروعیت و هژمونی ساختار موجود را بشکند و وارد فاز نظامی شود. رحمانی افرادی را که در خیابان دچار آسیب می‌شوند، به مهره‌های شطرنج تشبیه کرده و می‌گوید: «در چنین فضایی، شما نمی‌توانی از حقوق آدم دفاع کنی؛ او فقط یک مهوه است. شخص دیگری در امنیت و ثبات طراحی می‌کند و آن کشته‌شده‌ها برایش ابزاری بیش نیستند.» وی با اشاره به خلأهای موجود در فضای سیاسی می‌گوید: «چون ما احزاب را به صورت جدی نمی‌بینیم و اپوزیسیون قانونی نداریم، اعتراضات‌اگر صورت بگیرد، کمتر از دو هفته به اغتشاش تبدیل می‌شود.» رحمانی در ادامه تشریح می‌کند که در چنین شرایطی، فردی وابسته به جریان دشمن که تنها فعالیت‌ای که در کارنامه‌اش دیده می‌شود، وابستگی به دشمن است، با حمایت مالی و رسانه‌ای کشورهای خارجی به عنوان رهبر اپوزیسیون معرفی می‌گردد.



دربارهٔ ساماندهی بانوان موتورسوار

با مصوبهٔ دولت

همه چیز قانون‌مندتر شدنش بهتر است



فاطمه قدیری
خبرنگار گروه جامعه

روز گذشته، ۸ بهمن‌ماه، اتفاقی قابل توجه در خصوص یکی از بحث‌برانگیزترین پرونده‌های اجتماعی سال‌های اخیر رقم خورد. هیئت دولت، فرماندهی کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) را مکلف کرد تا زمینه آموزش موتورسیکلت‌سواری بانوان متقاضی دریافت گواهینامه را فراهم کند. مصوبه‌ای که اگرچه در ظاهر یک دستور اجرایی مانند دیگر دستورات است، اما در عمل می‌تواند به پایان یک پلاکتلیفی طولانی مدت و آغاز ورود رسمی موتورسواری بانوان به مدار قانون منجر شود. موضوع موتورسواری زنان در ایران، چندسالی می‌شود که در هاله ابهام قانونی بودن و نابودن دریافت گواهینامه معلق مانده است. واقعیتی که دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در این سال‌ها، هم‌زمان با افزایش فشارهای اقتصادی، تغییر الگوی حمل‌ونقل و گسترش استفاده از موتورسیکلت به‌عنوان وسیله‌ای ارزان، سریع و در دسترس، حضور زنان موتورسوار نیز از خیابان‌های مرکزی شهرهای بزرگ گرفته تا جاده‌های روستایی و مسیرهای دسترسی به مزارع و کارگاه‌ها قابل مشاهده است. اما این افزایش رغبت به استفاده از این وسیله نقلیه در غیاب چهارچوب قانونی مشخص، با پیامدهایی همراه بوده است که موجب نگرانی نهادهای قانون‌گذار و اجرایی مانند پلیس راهور شده بود؛ تردد بدون گواهینامه، نبود پوشش بیمه‌ای، ترس از آسیب رسیدن به وسیله و از همه مهم‌تر، خطرات جدی جانی برای خود راکب و سایر شهروندان. مصوبه ۸ بهمن دقیقاً در چنین بستری معنا پیدا می‌کند؛ چراکه تلاشی برای به‌رسمیت شناختن نیازهای جامعه مدرن و هدایت آن به مسیری ایمن، قانون‌مند و قابل مدیریت است.

قدم مثبت دولت در خصوص روزآمدکردن قوانین

شاید بتوان گفت این مصوبه قدمی مثبت در راستای روزآمدکردن قوانین حکومتی و درنظر گرفتن الزامات زندگی در شهرهای بزرگ و شلیغ و سبک‌زندگی مدرن است. همچنین مهم‌ترین استدلال ا قانونی شدن موتورسواری بانوان، یک گزاره ساده اما کلیدی است: «قانونی بودن، همیشه از غیرقانونی بودن امن‌تر است.» در وضعیت فعلی، زنی که سوار موتورسیکلت می‌شود، حتی اگر مهارت کافی داشته باشد، در صورت بروز حادثه، نه تنها از حمایت بیمه‌ای محروم است، بلکه همواره نگران برخورد قانونی نیز هست. این ترس، خودعاملی برای تشدید آسیب‌ها، قرار از صحنه تصادف، گزارش نشدن حوادث و پنهان ماندن آمار واقعی است. بر همین اساس، طبق مصوبه هیئت دولت، فراجا موظف شده است آموزش موتورسیکلت‌سواری بانوان را برای دریافت گواهینامه فراهم کند. طبق اعلام روابط عمومی معاونت امور زنان و خانواده و رست جمهوری، آموزش عملی باید ترجیحاً توسط مربیان زن و با اولویت افسران زن انجام شود و تنها در صورت کمبود نیز، استفاده از آزمون‌گیرندگان مرد واجد صلاحیت، آن هم با رعایت ملاحظات شرعی و تحت نظارت مستقیم پلیس راهور، مجاز خواهد بود. این مصوبه، در پی پیشهاد مشترک معاونت امور زنان و خانواده و وزارت کشور به تصویب رسیده و هدف آن، رفع خلأهای حقوقی و اجتماعی در حوزه رانندگی بانوان با موتورسیکلت عنوان شده است. مهم‌تر از خود آموزش، پیامدهای این تصمیم است؛ امکان بهره‌مندی زنان از حقوق قانونی رانندگی، از جمله بیمه، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای ایمنی ترافیکی را فراهم می‌کند. ورود این پدیده به چهارچوب قانون، به معنای پذیرش مسئولیت از سوی هر دو رکن جامعه یعنی حاکمیت و شهروندان است. وقتی گواهینامه صادر شود، آموزش اجباری می‌شود. استانداردها تعریف می‌شود و داشتن بیمه الزامی می‌شود که این دقیقاً همان نقطه‌ای است که می‌تواند موتورسواری بانوان را از یک فعالیت پرریسک و حاشیه‌ای، به یک شیوه تردد مدیريت‌شده تبدیل و متخلفان را از راکبان قانون‌مند جدا کند.

اعمال ضوابط فنی و ایمنی

تنها با وجود قانون امکان پذیر است

یکی دیگر از ابعاد مهم این بحث، امکان اعمال ضوابط فنی و ایمنی است. در شرایط بی‌قانونی فعلی، هیچ محدودیتی برای نوع و حجم موتورسیکلتی که زنان سوار می‌شوند وجود ندارد. نتیجه آن، صحنه‌هایی است که بارها در خیابان‌ها دیده شده؛ دختران کم‌پوزن و کم‌تجربه‌ای که سوار موتورهای سسنکین و پر قدرت می‌شوند. چنین وضعیتی هم برای خودشان خطراتاک است و هم برای دیگران. با وجود اینکه هنوز خبری در خصوص اعمال محدودیت این چنینی ابلاغ نشده، اما قانونی شدن، این امکان را فراهم می‌کند که قانون‌گذار بر اساس وزن، توان جسمی و سطح مهارت، محدودیت‌هایی در حجم موتور (سی‌سی) تعریف کند. همان‌طور که در بسیاری از کشورها برای مردان و زنان، رده‌بندی‌های مختلف گواهینامه و وسایل نقلیه مختلف وجود دارد. چنین رویکردی، نه به محدودکننده، بلکه محافظت‌کننده است و می‌تواند آمار حوادث را به‌طور محسوسی کاهش دهد.

هیچ ممنوعیت قانونی‌ای

برای موتورسواری بانوان وجود ندارد

در سال‌های اخیر تمامی مناقشات و بحث و جدل‌ها بر سر ممنوعیت موتورسواری بانوان، زیر سر یک تبصره یک خطی در قانون رسیدگی به مجازات رانندگی بود؛ ماده ۲۰ که مهم‌ترین تخلفات رانندگی با موتور را شرح داده و به مجازات این تخلفات و همچنین یکسان بودن بودن قوانین عمومی حمل و نقل بین خودروها و موتورسیکلت‌ها پرداخته است. این ماده یک تبصره یک خطی دارد که می‌گوید «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان برعهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است.» و از همین رو نیروی انتظامی با استناد به این قانون از صدور گواهینامه موتور برای بانوان شانه خالی می‌کرد و بر کلمه «مردان» در این تبصره تأکید داشت. در این راستا نیز عسکر جلالیان، معاون حقوق بشر و امور بین‌الملل وزارت دادگستری صراحتاً تأکید کرده است که هیچ ممنوعیت قانونی صریح با ضمنی برای رانندگی بانوان با موتورسیکلت در قوانین کشور وجود ندارد. به گفته او، موضوع گواهینامه بانوان در شورای هماهنگی حمایت از حقوق شهروندی و وزارت دادگستری بررسی شده و نظرات ۱۷ دستگاه ذی‌ربط از جنبه‌های فقهی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اخذ و در قالب گزارشی جامع به معاونت حقوقی ریاست جمهوری ارسال شده است. نکته کلیدی در این اظهارات، تأکید بر «عدم نیاز به قانون‌گذاری جدید» است. جلالیان تصریح می‌کند که سکوت قانون‌گذار در این زمینه، به معنای تجویز و تقویض اختیار است و تنها یک دستور اداری برای اجرای این حق طبیعی کفایت می‌کند؛ دقیقاً همان مسیری که مصوبه ۸ بهمن در حال طی کردن آن است. در پاسخ به دغدغه‌های شرعی و موضوع پوشش بانوان، معاون وزیر دادگستری مقایسه‌ای ساده، اما گویا ارائه می‌دهد: همان‌طور که برای آقایان استفاده از کلاه ایمنی اجباری است، می‌توان ضوابط پوشش را نیز در شرایط صدور گواهینامه لحاظ کرد. احتمال عدم رعایت پوشش، نمی‌تواند بهانه‌ای برای محروم کردن یک قشر از حقوق شهروندی باشد؛ همان‌طور که این احتمال در خودروهای سواری و باری هم وجود دارد.